

متن پرسش

یا محبوب! به اسم خدایِ آرمانِ علی وردی: عرض سلام و رضوان حضرت معشوق بر شما باد و عیدِ مبارک و سعیدِ عاشقان نیز برایتان پر از قرب باشد.

شاید دیگر این صفحه و این نام کاربری نشان دهنده‌ی انسان پریشانی باشد که خودش هم در کار خودش مانده، اما این از الطاف الهی است که کسی سخن دل را بشنود. من در مورد مکاتب غربی و پوچ‌گرایی و این نیست‌انگاری که گریبان بشر امروزی را گرفته است چیزی نمی‌دانم و به حدّ خود تقریباً بی‌سودم. اما همین را می‌دانم آن‌جا که آرمانِ علی وردی درون آن خفته و سید مرتضی آوینی روایت می‌کند و چمران مناجات می‌خواند، یک خبری دیگر است. هر قدر بیشتر عزم مواجه می‌دهند من بیشتر در می‌یابم که وای! جز این جهنم است! به راستی که این است آنچه است که جز آن هیچ نیست! و این جز خدا نیست تمام آنچه از سواد و کلمات بی‌حس از او در ذهن ریخته بودم به آنی به برون رفت، انگار می‌گفت سخن از چه می‌گویی اگر چیزی در دنیا هست این است! آری! اصلاً نمی‌توانم بگویم چه خبر است، جان تصدیق می‌کند و عقل می‌خندد. لیک این چیست؟! انگار هر بار قوی‌تر از قبل این فریاد مرا سراسیمه صدا می‌زند و انگار هر بار آن قدری قوی‌تر از قبل هست که به حذف شدن مانند آن راضی نباشد. از هدف خلقت و اسفار اربعه هیچ نمی‌دانم ولی می‌دانم هرچه هست این است. از طرفی این مستی را فقط «بغض» و «اشک» معنا می‌کنند. انگار عقل راحت است که نمی‌فهمد ولی دل فقط گریه می‌کند. باید با آرمان علی وردی و شهید چمران و حاج حسین چه کرد؟! نمی‌دانم!! اما می‌دانم بی‌یاد آنان و چیزی فراتر از آن که نمی‌دانم چیست، نیست می‌شوم...

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: حقیقتاً باید به شهدا و عطشی که نسبت به شهادت‌شان داشتند، فکر کرد. از آن جهت که با تمام جان، یافته بودند در دل شهادت است که می‌توانند حیاتی فعالِ ماورای حیات دنیایی و برزخی را به دست آورند و فهمیده بودند به حکم «بل احياء» حیاتی به سراغ آن‌ها می‌آید که می‌توانند به نور آن حیات، جواب دغدغه‌های‌شان که نجات انسان‌ها است، بهتر و بهتر بدهند. و این‌جا است که حضرت روح الله «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» همین نکته را رازگشایی کردند و فرمودند: «همین تربت پاک شهیدان است که تا قیامت مزار عاشقان و عارفان و دلسوختگان و دارالشفای آزادگان خواهد بود.» موفق باشید

